

واکاوی وجوه اشتراک و افتراق «اقدامات مجرمانه مشترک» و «سردستگی گروه مجرمانه»

حسین میرمحمدصادقی*

علی ایزدیار**

تاریخ پذیرش: ۹۸/۰۷/۰۷

تاریخ دریافت: ۹۷/۱۲/۲۵

چکیده

دکترین «اقدامات مجرمانه مشترک» یکی از اشکال بحث برانگیز مسئولیت کیفری در قلمرو حقوق کیفری بین‌المللی به شمار می‌رود که در پرتو آرای دیوان کیفری بین‌المللی برای یوگسلاوی سابق، شکل گرفته و قوام یافته و متعاقب آن، از سوی این دیوان و نیز دیوان کیفری بین‌المللی برای رواندا، مکرراً مورد استناد قرار گرفته است. از سوی دیگر، در حقوق کیفری ایران نیز «سردستگی گروه مجرمانه»، با مشخصه‌های فعلی، بی‌تردید یکی از نوآوری‌های قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ محسوب می‌شود که در ماده ۱۳۰ آن تبلور یافته است. در این نوشتار، تلاش شده است تا با تطبیق و مقایسه مختصات این دو مفهوم مشابه اما متمایز از یکدیگر، مهم‌ترین وجوه اشتراک و افتراق این دو نهاد حقوقی - که یکی نشئت گرفته از حقوق کیفری بین‌المللی و دیگری زائیده حقوق کیفری ایران است - تبیین گردد تا از رهگذر آن، امکان رفع خالهای احتمالی موجود در قانون فعلی فراهم شود.

کلیدواژگان:

اقدامات مجرمانه مشترک، گروه مجرمانه، سردستگی، مشارکت، معاونت.

* استاد دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی

drsadeghi128@yahoo.com

** دانشجوی دکتری حقوق کیفری و جرم‌شناسی دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی

izadyara@yahoo.com

مقدمه

دکترین «اقدامات مجرمانه مشترک» نوعاً به مسئولیت کیفری اعضای یک گروه مجرمانه برخورداری از هدف مشترک،^۱ برنامه مشترک^۲ یا طرح مشترک^۳ اشاره دارد. به تعبیر پروفسور آنتونیو کسسه،^۴ حقوق دان برجسته بین‌المللی، مسئولیت ناشی از اقدامات مجرمانه مشترک نشان‌دهنده شکلی از مسئولیت کیفری است که بوجود آورنده مسئولیت کیفری برای همه افراد دخیل در یک طرح مجرمانه مشترک است.^۵ به این نوع مسئولیت در اساسنامه‌های دیوان‌های کیفری بین‌المللی برای یوگسلاوی سابق و رواندا به صراحت اشاره نشده بود، ولی در برخی از تصمیمات متخذه از سوی دیوان‌های مذکور مورد پذیرش قرار گرفته است.^۶ بنابراین، همان‌طور که پروفسور هارمن فن در ویلت، استاد حقوق کیفری بین‌المللی در دانشگاه آمستردام، اشاره می‌کند، دکترین «اقدامات مجرمانه مشترک» هم جرایم را به افراد متعدّد (مرتکبان و هم‌دستان) و هم افراد را به جرایم متفاوت مرتبط می‌سازد. از این رو، وی این مفهوم را به «یک فرد همه فن حریف»^۷ تشبیه نموده است؛ زیرا هم برای مقابله با خشونت‌های جمعی کاربرد دارد، هم اسباب مسئولیت کیفری گسترده را برای رهبران سیاسی و نظامی فراهم می‌کند و هم مسئولیت افراد درگیر در یک سازمان مجرمانه را مورد توجه قرار می‌دهد.^۸ به تعبیر پروفسور کای آمبوس، استاد حقوق کیفری در دانشگاه گوتینگن آلمان، این دکترین یک «سلاح جادویی»^۹ در تعقیب جنایات بین‌المللی است.^{۱۰}

1. Common Purpose
2. Common Plan
3. Common Design

۴. ایشان نخستین رئیس دیوان کیفری بین‌المللی برای یوگسلاوی سابق (از ۱۹۹۳ تا ۱۹۹۷) و همچنین نخستین رئیس دادگاه ویژه لبنان (از ۲۰۰۹ تا ۲۰۱۱) بودند.

5. Antonio Cassese, "The Proper Limits of Individual Responsibility under the Doctrine of Joint Criminal Enterprise", *Journal of International Criminal Justice*, Vol.5, No.1, March 2007, PP.110-111.

۶. میرمحمدصادقی، حسین، *دادگاه کیفری بین‌المللی*، تهران: انتشارات دادگستر، چاپ نهم، بهار ۱۳۹۵، ص ۱۸۲.

7. Jack of all trades

8. Harmen van der Wilt, "Joint Criminal Enterprise: Possibilities and Limitations", *Journal of International Criminal Justice*, Vol.5, No.1, March 2007, P.92.

9. Magic Weapon

10. Kai Ambos, "Joint Criminal Enterprise and Command Responsibility", *Journal of International Criminal Justice*, Vol.5, No.1, March 2007, P.159.

شعبه تجدیدنظر دیوان کیفری بین‌المللی برای یوگسلاوی سابق، به ریاست قاضی محمد شهاب‌الدین^۱ و مرکب از قضات برجسته‌ای همچون آنتونیو کسسه^۲ و فلورنس مومبا،^۳ در رأی تجدیدنظر صادره به تاریخ ۱۵ جولای ۱۹۹۹ در پرونده تادیچ،^۴ بر اساس مقررات اساسنامه دیوان مذکور و با تمسک به رویه قضایی بین‌المللی و حقوق بین‌الملل عرفی، دکترین اقدامات مجرمانه مشترک را به سه گونه متفاوت و متمایز از یکدیگر تفکیک نموده است^۵ که مبنای اصلی رویه قضایی بعد از آن را تشکیل می‌دهد.^۶ این گونه‌های سه‌گانه به شرح زیر است:

1. Mohamed Shahabuddeen

۲. گفتنی است که برخی از نویسندگان ایرانی، اشتباهاً از قاضی آنتونیو کسسه، به عنوان رئیس شعبه تجدیدنظر رسیدگی‌کننده به پرونده تادیچ، یاد کرده‌اند. (نک: میرکمالی، علیرضا و دیگران، «نظریه فعالیت مجرمانه مشترک در پرتو آرای دادگاه کیفری بین‌المللی برای یوگسلاوی سابق»، فصلنامه تحقیقات حقوقی، دوره ۲۱، شماره ۸۲، تابستان ۱۳۹۷، صص ۲۵۶-۲۵۵). این در حالی است که ایشان تنها یکی از قضات این شعبه - و نه رئیس آن - بوده است.

3. Florence Ndepele Mwachande Mumba (commonly referred to as **Florence Mumba**).

۴. تادیچ که عضوی از یک گروه مسلح بود با یک هدف از پیش طراحی شده به همراه سایر اعضای گروه در ۱۴ ژوئن ۱۹۹۲ به دهکده‌ای در بوسنی و هرزگوین حمله کرد. وی در این حمله نقش فعالی داشت و تعدادی از اهالی غیرصرب دهکده را نیز مورد ضرب و جرح قرار داد. در نتیجه حمله این گروه، پنج نفر از اهالی دهکده به قتل رسیدند. وی در شعبه بدوی دادگاه، به دلیل فقدان ادله‌ای که گویای شرکت عامدانه وی در قتل آن پنج نفر بوده باشد، تبرئه شد. لیکن شعبه تجدیدنظر دادگاه، حکم برائت وی را نقض و مقرر کرد که مسلماً تادیچ قصد داشته است با ارتکاب اعمال غیرانسانی به هدف تخلیه دهکده از اهالی غیرصرب کمک کند و بنابراین، حکم به مسئولیت وی در قبال قتل‌های ارتكابی، به موجب گونه سوم «اقدامات مجرمانه مشترک»، صادر کرد. جهت تفصیل، ر.ک: Antonio Cassese, *International Criminal Law*, Oxford University Press, 2003, PP.187-188; Lachezar D. Yanev, *Theories of Co-perpetration in International Criminal Law*, Leiden: Brill Nijhoff, 2018, PP.174-175, 184.

5. Prosecutor v. Tadić, Case No: IT-94-1-A, Appeal Judgement, 15 July 1999, Paras. 194-229.

۶. ذکر این نکته ضروری است که علت اینکه اکثر قریب به اتفاق حقوق دانان غربی (و به تبعیت از آنان حقوق دانان ایرانی)، رأی تجدیدنظر در پرونده تادیچ را به عنوان مبنای اصلی و اولیه این موضوع در دیوان‌های اختصاصی معرفی می‌کنند این است که رأی مذکور نخستین رأیی است که در آن مقرر شده است اقدامات مجرمانه مشترک در قلمرو واژه «ارتکاب»، مذکور در بند ۱ ماده ۷ اساسنامه ICTY، قرار می‌گیرد و نخستین بار است که اقدامات مجرمانه مشترک به عنوان مبنایی برای تحمیل مسئولیت کیفری بر متهمان مورد استفاده قرار گرفته است و گونه‌های سه‌گانه و عناصر مادی و معنوی هریک از آنها، به تفکیک، تبیین شده است. درحالی که واقع امر آن است که به لحاظ تقدم زمانی، رأی دادگاه بدوی در پرونده فورندز یجا، مرکب از قاضیان فلورنس مومبا، آنتونیو کسسه و ریچارد می، که در ۱۰ دسامبر ۱۹۹۸ صادر گردیده است، نخستین رأی در دیوان‌های اختصاصی است که اصطلاح "Joint Criminal Enterprise" را مورد استفاده قرار داده و وجود مسئولیت مبتنی بر هدف مشترک را به رسمیت شناخته است. ر.ک: ←

در گونه نخست، که به آن اقدامات مجرمانه مشترک اصلی (مبنایی)^۱ نیز گفته می‌شود، همه افراد گروه، براساس هدف مشترکی عمل می‌کنند، قصد ارتکاب جرم واحدی را دارند و یک یا چند نفر از آنان عملاً جرم موردنظر را مرتکب می‌شود.^۲

گونه دوم، که آن را اقدامات مجرمانه مشترک سیستماتیک (نظام‌مند)^۳ نیز نامیده‌اند، مبتنی بر وجود یک سیستم مجرمانه سازمان یافته، مثل بازداشتگاه زندانیان یا اردوگاه‌های کار اجباری،^۴ است.^۵ در حقیقت، آنچه رکن رکن این گونه از اقدامات مجرمانه مشترک را تشکیل می‌دهد،

←Prosecutor v. Furundžija, Case No: IT-95-17/1-T, Trial Judgement, 10 December 1998, Para. 216.

حتی چند هفته پیش از آن نیز همین دیوان در رأی صادره در پرونده معروف به Čelebići، به تاریخ ۱۶ نوامبر ۱۹۹۸، به این نوع مسئولیت اشاره داشته است. ر.ک:

Prosecutor v. Delalić, Mucić, Delić and Landžo, Case No: IT-96-21-T, Trial Judgement, 16 November 1998 (Čelebići Trial Judgement), Para. 328.

1. Basic Joint Criminal Enterprise

2. Tadić Appeal Judgement, Op.Cit, Paras. 196, 220; Prosecutor v. Vasiljević, Case No: IT-98-32-A, Appeal Judgement, 25 February 2004, Para. 97; Prosecutor v. Ntakirutimana and Ntakirutimana, Case No: ICTR-96-10-A and ICTR 96-17-A, Appeal Judgement, 13 December 2004, Para. 463; Prosecutor v. Kvočka et al, Case No: IT-98-30/1-A, Appeal Judgement, 28 February 2005, Para. 82; Prosecutor v. Gacumbitsi, Case No: ICTR-2001-64-A, Appeal Judgement, 7 July 2006, Para. 158; Prosecutor v. Krajišnik, Case No: IT-00-39-T, Trial Judgement, 27 September 2006, Para. 879.

3. Systemic Joint Criminal Enterprise

۴. در همین زمینه، دادگاه تجدیدنظر در قضیه تادیچ به پرونده «اردوگاه کار اجباری داخائو» و نیز پرونده «بلسن» در آلمان نازی اشاره داشته است. در پرونده اخیرالذکر، متهمان ۴۵ نفر بودند که در اردوگاه‌های کار اجباری برگن بلسن و آشویتس فعالیت داشتند. برای مطالعه تفصیلی در مورد این دو پرونده، ر.ک:

Trial of Martin Gottfried Weiss and thirty-nine others, General Military Government Court of the United States Zone, Dachau, Germany, 15th November - 13th December, 1945, Law Reports of Trials of War Criminals, Selected and Prepared by the United Nations War Crimes Commission, Published for the United Nations War Crimes Commission by his Majesty's Stationery Office, London, 1949 (UNWCC), Vol.XI, PP.5-17; Trial of Josef Kramer and 44 others, British Military Court, Lüneburg, 17th September - 17th November, 1945, Law Reports of Trials of War Criminals, Selected and Prepared by the United Nations War Crimes Commission, Published for the United Nations War Crimes Commission by his Majesty's Stationery Office, London, 1947 (UNWCC), Vol.II, PP.1-154.

5. Tadić Appeal Judgement, Op.Cit, Paras. 202, 220; Prosecutor v. Krnojelac, Case No: IT-97-25-A, Appeal Judgement, 17 September 2003, Para. 89; Vasiljević Appeal Judgement, Op.Cit, Para. 98; Ntakirutimana and Ntakirutimana Appeal Judgement, Op.Cit, Para. 464; Kvočka et al. Appeal Judgement, Op.Cit, Para.82; Krajišnik Trial Judgement, Op.Cit, Para. 880.

عبارت است از یک ساختار نهادی که از آن به عنوان «نظام سوءرفتار»^۱ یا «نظام سرکوب»^۲ یاد می‌شود.^۳

گونه سوم، که به آن اقدامات مجرمانه مشترک گسترده (موسع)^۴ نیز اطلاق می‌شود، شامل مواردی است که اعضای گروه، همانند گونه نخست، هدف مشترکی مبنی بر ارتکاب جرم دارند، لیکن یک یا چند نفر از آنها، فراتر از این هدف رفته و جرمی را که خارج از طرح و برنامه مشترک است، مرتکب می‌شود؛ با وجود این، جرم مزبور نتیجه طبیعی و قابل پیش‌بینی^۵ آن طرح مشترک محسوب می‌شود.^۶

بعد از آشنایی اجمالی و مقدماتی با گونه‌های سه‌گانه «اقدامات مجرمانه مشترک»^۷، مقدمه‌ای بر مفهوم «سردستگی گروه مجرمانه» نیز مفید به نظر می‌رسد.

1. System of ill-treatment
2. System of repression
3. Tadić Appeal Judgement, Op.Cit, Paras.203, 220.
4. Extended Joint Criminal Enterprise
5. Natural and foreseeable consequence
6. Tadić Appeal Judgement, Op.Cit, Paras.204, 220; Vasiljević Appeal Judgement, Op.Cit, Para. 99; Ntakirutimana and Ntakirutimana Appeal Judgement, Op.Cit, Para. 465; Kvočka et al. Appeal Judgement, Op.Cit, Para. 83; Prosecutor v. Stakić, Case No: IT-97-24-A, Appeal Judgement, 22 March 2006, Para. 65; Gacumbitsi Appeal Judgement, Op.Cit, Para.158; Krajišnik Trial Judgement, Op.Cit, Para. 881.
۷. برای مطالعه تفصیلی در خصوص گونه‌های سه‌گانه مذکور و عناصر مادی و معنوی تشکیل‌دهنده هر یک از آنها و همچنین برخی از انتقادات مطرح شده در مورد این نهاد مسئولیت‌ساز، ر.ک: Steven Powles, "Joint Criminal Enterprise: Criminal Liability by Prosecutorial Ingenuity and Judicial Creativity?", *Journal of International Criminal Justice*, Vol.2, No.2, 2004, PP.606-619; Allison Marston Danner, Jenny S. Martinez, "Guilty Associations: Joint Criminal Enterprise, Command Responsibility, and the Development of International Criminal Law", *California Law Review*, Vol.93, No.1, January 2005, PP.75-169; Verena Haan, "The Development of the Concept of Joint Criminal Enterprise at the International Criminal Tribunal for the Former Yugoslavia", *International Criminal Law Review*, Vol.5, No.2, 2005, PP.167-201; Linda Engvall, *Extended Joint Criminal Enterprise in International Criminal Law*, Master thesis, Faculty of Law, University of Lund, June 2005; Attila Bogdan, "Individual Criminal Responsibility in the Execution of a 'Joint Criminal Enterprise' in the Jurisprudence of the ad hoc International Tribunal for the Former Yugoslavia", *International Criminal Law Review*, Vol.6, No.1, 2006, PP.63-120; Jens David Ohlin, "Three Conceptual Problems with the Doctrine of Joint Criminal Enterprise", *Journal of International Criminal Justice*, Vol.5, No.1, March 2007, PP.69-90; Katrina Gustafson, "The Requirement of an 'Express Agreement' for Joint Criminal Enterprise Liability: A Critique of Brđanin", *Journal of International Criminal Justice*, Vol.5, No.1, March 2007, PP.134-158; Elies van Sliedregt, "Joint Criminal Enterprise as a Pathway to Convicting Individuals for Genocide", *Journal of International Criminal Justice*, Vol.5, No.1, March 2007, PP.184-207; Kai→

در حقوق ایران متأسفانه سردستگی چندان مورد بررسی قرار نگرفته است و حقوق دانان در کتاب های حقوق جزای عمومی صرفاً اشاره گذرایی به سردستگی داشته اند و به بررسی تفصیلی آن نپرداخته اند. در این بین برخی آن را در ذیل شرکت در جرم بررسی کرده^۱ و برخی هم آن را در ذیل معاونت بحث نموده اند. اعلت اینکه حقوق دانان سردستگی را ذیل شرکت و معاونت بررسی کرده اند، این است که سردستگی در ماده ۳۰ قانون مجازات عمومی اصلاحی ۱۳۵۲، ماده ۲۳ قانون راجع به مجازات اسلامی مصوب ۱۳۶۱ و ماده ۴۵ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۰ به صورت ماده ای در ذیل فصل مربوط به شرکا و معاونین آمده بود. لیکن قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲، در اقدامی نوآورانه، این مفهوم را به صورت مستقل و در فصلی جداگانه با عنوان «سردستگی گروه مجرمانه سازمان یافته»، با مشخصه های نوینی، مطرح نموده است. ماده ۱۳۰ این قانون مقرر می دارد:

←Hamdorf, "The Concept of a Joint Criminal Enterprise and Domestic Modes of Liability for Parties to a Crime: A Comparison of German and English Law", *Journal of International Criminal Justice*, Vol.5, No.1, March 2007, PP.208-226; Gideon Boas, James L. Bischoff, Natalie L. Reid, *Forms of Responsibility in International Criminal Law*, International Criminal Law Practitioner Library Series, Vol.1, Cambridge University Press, 1st ed, 2007, Chapter 2; Jens David Ohlin, "Joint Criminal Confusion", *New Criminal Law Review*, Vol.12, No.3, Summer 2009, PP.406-419; Kitti Jayangakula, *Is the Doctrine of Joint Criminal Enterprise a Legitimate Mode of Individual Criminal Liability? - A Study of the Khmer Rouge Trials*, Master thesis, Faculty of Law, University of Lund, Spring 2010; Beatrice Krebs, "Joint Criminal Enterprise", *The Modern Law Review*, Vol.73, No.4, July 2010, PP.578-604; Michael G. Karnavas, "Joint Criminal Enterprise at the ECCC: A Critical Analysis of the Pre-Trial Chamber's Decision Against the Application of JCE III and two Divergent Commentaries on the Same", *Criminal Law Forum*, Vol.21, No.3,4, December 2010, PP.445-494; Natalia Perova, "Stretching the Joint Criminal Enterprise Doctrine to the Extreme: When Culpability and Liability Do Not Match", *International Criminal Law Review*, Vol.16, No.5, 2016, PP.761-795.

۱. اردبیلی، محمدعلی، *حقوق جزای عمومی*، جلد ۲، تهران: نشر میزان، چاپ چهل و چهارم، پاییز ۱۳۹۵، صص ۷۷ و ۷۸؛ نوربها، رضا، *زمینه حقوق جزای عمومی*، تهران: کتابخانه گنج دانش، چاپ بیست و هفتم، ۱۳۸۸، صص ۲۰۰ و ۲۰۱؛ ساکی، محمدرضا، *حقوق جزای عمومی (مسئولیت کیفری)*، جلد ۲، تهران: انتشارات جنگل، چاپ اول، ۱۳۹۲، ص ۴۱؛ سبزواری نژاد، حجت، *حقوق جزای عمومی (جرم، مجرم، مسئولیت کیفری و موانع آن) مطابق با لایحه قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲*، تهران: انتشارات جنگل، چاپ اول، ۱۳۹۲، ص ۳۶۴.
۲. آقایی جنت مکان، حسین، *حقوق کیفری عمومی (بر اساس لایحه قانون مجازات اسلامی)*، جلد ۲، تهران: انتشارات جنگل، چاپ اول، ۱۳۹۰، ص ۷۲.

«هرکس سردستگی یک گروه مجرمانه را برعهده گیرد به حداکثر مجازات شدیدترین جرمی که اعضای آن گروه در راستای اهداف همان گروه مرتکب شوند، محکوم می‌گردد مگر آنکه جرم ارتكابی موجب حد یا قصاص یا دیه باشد که در این صورت به حداکثر مجازات معاونت در آن جرم محکوم می‌شود. در محاربه و افساد فی الارض زمانی که عنوان محارب یا مفسد فی الارض بر سر دسته گروه مجرمانه صدق کند حسب مورد به مجازات محارب یا مفسد فی الارض محکوم می‌گردد.

تبصره ۱- گروه مجرمانه عبارت است از گروه نسبتاً منسجم متشکل از سه نفر یا بیشتر که برای ارتکاب جرم تشکیل می‌شود یا پس از تشکیل، هدف آن برای ارتکاب جرم منحرف می‌گردد.

تبصره ۲- سردستگی عبارت از تشکیل یا طراحی یا سازماندهی یا اداره گروه مجرمانه است. در ادامه، مهم‌ترین وجوه اشتراک و افتراق این دو نهاد حقوقی - که یکی نشأت گرفته از حقوق کیفری بین‌المللی و دیگری زائیده حقوق کیفری ایران است - مورد تجزیه و تحلیل قرار می‌گیرد.^۱ در همین راستا، به منظور تبیین دقیق‌تر و عمیق‌تر موضوع، وجوه اشتراک و افتراق این دو نهاد مسئولیت‌ساز، به صورت مزجی مورد بحث و بررسی قرار می‌گیرد.

۱. گروه مجرمانه

بارزترین وجه اشتراک این دو نهاد حقوقی آن است که در هر دو، تحمیل مسئولیت کیفری ناشی از اعمال یک «گروه مجرمانه» است.

در حقوق کیفری بین‌المللی، مفهوم «اقدامات مجرمانه مشترک» اساساً شامل اشخاص متعددی می‌شود و تقریباً کلیه آرای صادره از سوی دیوان‌های کیفری بین‌المللی برای یوگسلاوی سابق و رواندا، که به بحث درباره عناصر مادی اقدامات مجرمانه مشترک پرداخته‌اند، مقرر داشته‌اند که «تعدد اشخاص»^۲ یکی از اجزای سه‌گانه عنصر مادی اقدامات مجرمانه مشترک به شمار می‌آید.^۳ در حقوق کیفری ایران نیز به موجب ماده ۱۳۰ قانون مجازات اسلامی مصوب

۱. البته با توجه به اینکه مفهوم «اقدامات مجرمانه مشترک» به سه گونه متمایز از یکدیگر تقسیم می‌شود که هر یک از آنها ویژگی‌های مختص به خود را دارند، مقایسه و تطبیق تمامی عناصر تشکیل‌دهنده این گونه‌های سه‌گانه با مشخصات مفهوم «سردستگی گروه مجرمانه»، بحث مستوفایی را می‌طلبد که پرداختن به همه آن در این مقال نمی‌گنجد. از این رو، نگارندگان صرفاً به طرح اهم مباحث اکتفا می‌کنند.

2. A plurality of persons

3. Tadić Appeal Judgement, Op.Cit, Para.227; Stakić Appeal Judgement, Op.Cit, Para.64; Kvočka et al. Appeal Judgement, Op.Cit, Para.81; Vasiljević Appeal→

۱۳۹۲، مسئولیت سردسته زمانی تحقق می یابد که جرم توسط «گروه مجرمانه» ارتکاب یافته باشد. گروه مجرمانه بر حسب تعریف مذکور در تبصره ۱ ماده ۱۳۰ ق.م.ا، گروهی است نسبتاً منسجم متشکل از سه نفر یا بیشتر که برای ارتکاب جرم تشکیل گردیده یا پس از تشکیل، هدف آن برای ارتکاب جرم منحرف شده باشد.^۱

در همین مورد، نکته قابل ذکر دیگر آن است که هر چند در حقوق کیفری بین‌المللی، با توجه به ماهیت بین‌المللی جرایم، این احتمال وجود دارد که در اکثر موارد، اقدامات مجرمانه مشترک ترکیبی سیاسی یا نظامی داشته باشد،^۲ لیکن لزومی ندارد مجموعه ای از اشخاص که اقدامات مجرمانه مشترک را شکل می‌دهند، در ساختاری نظامی، سیاسی یا اداری، سازمان‌دهی شده باشند.^۳ در همین زمینه، در حقوق کیفری ایران، تبصره ۱ ماده ۱۳۰، صرفاً به داشتن انسجام نسبی، به عنوان یکی از شرایط تحقق گروه مجرمانه، اشاره دارد. البته این مقررۀ قانونی مفهوم عبارت «نسبتاً منسجم» را مشخص نکرده است، اما به نظر می رسد منظور از عبارت مزبور این است که «نیاز به یک گروه متشکل و سازمان یافته که دارای سلسله مراتب تعریف شده باشد،

←Judgement, Op.Cit, Para.100; Krnojelac Appeal Judgement, Op.Cit, Para. 31; Prosecutor v. Kayishema and Ruzindana, Case No: ICTR-95-1-A, Appeal Judgement (Reasons), 1 June 2001, Para. 193; Prosecutor v. Simba, Case No: ICTR-01-76-T, Trial Judgement and Sentence, 13 December 2005, Para. 387; Krajišnik Trial Judgement, Op.Cit, Paras. 1079, 1080; Prosecutor v. Blagojević and Jokić, Case No: IT-02-60-T, Trial Judgement, 17 January 2005, Paras. 698, 708-709; Prosecutor v. Brđanin, Case No: IT-99-36-T, Trial Judgement, 1 September 2004, Para. 260; Prosecutor v. Simić et al, Case No: IT-95-9-T, Trial Judgement, 17 October 2003, Para. 156; Prosecutor v. Krstić, Case No: IT-98-33-T, Trial Judgement, 2 August 2001, Para. 611; Prosecutor v. Kordić and Čerkez, Case No: IT-95-14/2-T, Trial Judgement, 26 February 2001, Para. 397; Prosecutor v. Munyakazi, Case No: ICTR-97-36A-T, Trial Judgement and Sentence, 5 July 2010, Para. 438.

۱. البته در قانون مجازات اسلامی در عنوان فصل چهارم، عبارت «گروه مجرمانه سازمان یافته» ذکر شده است اما در ماده ۱۳۰ و دو تبصره آن، از عبارت «گروه مجرمانه» استفاده شده و قید «سازمان یافته» حذف شده است که علت آن چندان معلوم نیست.

2. Prosecutor v. Simba, Case No: ICTR-2001-76-I, Amended Indictment, 10 May 2004, Para. 14.

3. Tadić Appeal Judgement, Op.Cit, Para.227; Stakić Appeal Judgement, Op.Cit, Para.64; Ntakirutimana and Ntakirutimana Appeal Judgement, Op.Cit, Para.466; Vasiljević Appeal Judgement, Op.Cit, Para.100; Krnojelac Appeal Judgement, Op.Cit, Para.31; Krajišnik Trial Judgement, Op.Cit, Para.883; Simba Trial Judgement, Op.Cit, Para.387; Brđanin Trial Judgement, Op.Cit, Para.261; Simić et al. Trial Judgement, Op.Cit, Para.156; Munyakazi Trial Judgement, Op.Cit, Para. 438.

وجود ندارد بلکه همین که عرفاً این جمع را یک گروه منسجم بدانند برای تحقق گروه مجرمانه کافی است.^۱ در هر حال، در حقوق کیفری ایران، داشتن ساختاری سیاسی، نظامی یا اداری، برای تحقق گروه مجرمانه، شرط نیست.

در همین جا، به مناسبت بحث از «گروه مجرمانه»، اشاره به وجه افتراق این دو نهاد حقوقی اجتناب ناپذیر است. توضیح اینکه اگرچه این دو نهاد مسئولیت ساز، هر دو، تحمیل مسئولیت کیفری را فرع بر اعمال یک «گروه مجرمانه» می دانند؛ لیکن از حیث تعداد اعضای لازم برای تحقق این گروه مجرمانه، رویکردی متفاوت از یکدیگر دارند. در حقوق کیفری بین المللی، دادگاه تجدیدنظر در پرونده ناکیروتیماننا و ناکیروتیماننا، در مقام تبیین این عنصر، چنین مقرر داشته است: «به منظور اینکه مسئولیت مبتنی بر اقدامات مجرمانه مشترک محقق شود، متهم باید همراه با تعدادی از اشخاص دیگر عمل کند.»^۲ اگرچه اشاره این پرونده به «تعدادی از اشخاص دیگر»،^۳ ممکن است این گونه تلقی گردد که «تعدد» مورد نیاز، باید شامل اشخاص زیادی شود، لیکن در آرای متعدد دیگری تصریح شده است که برای تحقق اقدامات مجرمانه مشترک، وجود دو نفر کافی است.^۴ به عنوان نمونه، دادگاه بدوی در پرونده کوچکا إشعار داشته است: «اقدامات مجرمانه مشترک در صورتی تحقق پیدا می کند که دو یا چند نفر در یک اقدام مجرمانه جمعی مشارکت نمایند.»^۵ افزون بر این، شعبه بدوی دیوان یوگسلاوی سابق، در رأی دیگری به تاریخ ۲۴ مارس ۲۰۱۶، در پرونده رادوان کاراچیچ،^۶ نخستین رئیس جمهور جمهوری صرب بوسنی، مجدداً همین موضع را تأیید کرده و مقرر داشته است: «اقدام توسط «تعدادی» از اشخاص به معنای اقدام هماهنگ دو یا چند نفر است.»^۷ این در حالی است که در حقوق کیفری ایران، بنا به تصریح تبصره ۱ ماده ۱۳۰، تشکیل گروه مجرمانه مشروط به داشتن حداقل سه عضو است.

۱. الهام، غلامحسین و محسن برهانی، *درآمدی بر حقوق جزای عمومی*، تهران: نشر میزان، چاپ اول، ۱۳۹۲، ص ۲۰۴.

2. Ntakirutimana and Ntakirutimana Appeal Judgement, Op.Cit, Para. 466.

3. A number of other persons

4. Brđanin Trial Judgement, Op.Cit, Para. 262; Prosecutor v. Mpambara, Case No: ICTR-01-65-T, Trial Judgement, 11 September 2006, Para. 13.

5. Prosecutor v. Kvočka et al, Case No: IT-98-30/1-T, Trial Judgement, 2 November 2001, Para. 307.

6. Radovan Karadžić

7. Prosecutor v. Karadžić, Case No: IT-95-5/18-T, Trial Judgement, 24 March 2016, Para.561, footnote.1783.

مطابق این تبصره، گروه مجرمانه گروهی است «متشکل از سه نفر یا بیشتر» و متشکل از سه نفر بودن به معنای داشتن حداقل سه نفر عضو است.^۱

اشاره به این نکته نیز در اینجا مفید به نظر می‌رسد که هر چند برای تحقق مسئولیت مبتنی بر اقدامات مجرمانه مشترک (در حقوق کیفری بین‌المللی) و نیز مسئولیت سردسته (در حقوق کیفری ایران) لازم است که گروه مجرمانه، مرتکب جرم شود و صرف تشکیل یک گروه مجرمانه و عضویت در آن کفایت نمی‌کند، لیکن برای تحقق عضویت لازم نیست که فرد، مرتکب جرم شده باشد. مثلاً ممکن است فرد، عضو گروه شده باشد، اما هنوز در عملیات مجرمانه گروه به کار گرفته نشده باشد. چنین فردی باز هم عضو گروه محسوب می‌شود و در مواردی که صرف عضویت در گروه جرم است، فرد مزبور - ولو اینکه در عملیات مجرمانه گروه شرکت نکرده باشد - به مجازات عضویت در گروه مجرمانه محکوم می‌شود.^۲ نمونه این مورد در حقوق کیفری بین‌المللی، عضویت در سازمان‌های مجرمانه (مذکور در ماده ۱۰ اساسنامه نورنبرگ) و در حقوق کیفری ایران، عضویت در جمعیت‌هایی به قصد برهم زدن امنیت کشور (مذکور در ماده ۴۹۹ قانون تعزیرات) است.^۳

۱. گفتنی است که ملاک ارائه شده در حقوق کیفری ایران - یعنی وجود حداقل سه نفر برای تشکیل یک گروه مجرمانه - ملاکی است که پیشتر نیز در برخی از اسناد بین‌المللی و همچنین در قوانین داخلی پاره‌ای از کشورها پیش‌بینی شده است. به عنوان مثال، در حوزه اسناد بین‌المللی، نگاه کنید به بند الف ماده ۲ کنوانسیون پالمو، که مقرر می‌دارد: «گروه مجرمانه سازمان یافته یعنی گروهی سازمان یافته متشکل از سه نفر یا بیشتر...». همچنین در حوزه حقوق کیفری ملی، به عنوان نمونه، نک: ماده (۱) ۴۶۷، ۱ قانون جزای کانادا که اشعار می‌دارد: «... سازمان مجرمانه یعنی گروهی... متشکل از سه نفر یا بیشتر...».

۲. البته ناگفته نماند که در برخی از گروه‌های مجرمانه، همچون گروه‌های مافیایی، عموماً باور اعضا بر آن قرار دارد که هیچ عضو تا قبل از ارتکاب یک جرم مهم، که معمولاً قتل عمد است، به مقام یک عضو با اعتبار و تثبیت شده نائل نمی‌گردد. (میرمحمدصادقی، حسین، **حقوق جزای بین‌الملل**، تهران: نشر میزان، چاپ دوم، بهار ۱۳۸۶، ص ۲۰۲).

۳. در برخی از نظام‌های حقوقی دیگر، عضویت در هر سازمانی که به منظور ارتکاب جرم تشکیل شده باشد، واجد وصف مجرمانه است. از جمله، نگاه کنید به ماده ۱۴۰ قانون جزای هلند. در بلژیک نیز قانون دهم ژانویه ۱۹۹۹ موضوع سازمان‌های مجرمانه را به قانون جزای این کشور افزود، و صرف عضویت در این سازمان‌ها، حتی بدون شرکت در اعمال مجرمانه آنها، را جرم دانست. (میرمحمدصادقی، حسین، **جرایم علیه امنیت و آسایش عمومی**، تهران: نشر میزان، چاپ بیست و یکم، پاییز ۱۳۹۲، ص ۷۰).

۲. هدف مجرمانه مشترک

یکی دیگر از وجوه اشتراک این دو نهاد حقوقی، داشتن هدف ارتکاب جرم است. این موضوع، در حقوق کیفری بین المللی، در رأی تجدیدنظر پرونده تادیچ، به عنوان دومین جزء عنصر مادی اقدامات مجرمانه مشترک^۱، بدین شرح بیان شده است: «وجود یک برنامه، طرح یا هدف مشترک که ارتکاب یکی از جرایم مذکور در اساسنامه محسوب شود یا متضمن آن باشد.»^۲ همچنین در برخی از آرای دیگر، لزوم احراز این موضوع، با تعبیر مشابهی، مورد تأکید قرار گرفته است.^۳ به عنوان نمونه، دیوان کیفری بین المللی برای یوگسلاوی سابق، هفده سال پس از رأی تجدیدنظر تادیچ، در رأی تجدیدنظر صادره به تاریخ ۳۰ ژوئن ۲۰۱۶ مجدداً ضرورت احراز این موضوع را بازگو نموده است.^۴

در حقوق کیفری ایران نیز مطابق تبصره ۱ ماده ۱۳۰ ق.م.ا، یکی دیگر از شرایط لازم برای تحقق گروه مجرمانه، داشتن هدف ارتکاب جرم است. این تبصره برای داشتن هدف ارتکاب جرم، دو حالت را پیش بینی کرده است: حالت نخست اینکه گروه مجرمانه از ابتدا برای ارتکاب جرم شکل می گیرد و حالت دوم اینکه گروه با هدف غیرمجرمانه تشکیل می شود، ولی بعد از مدتی تغییر هدف می دهد و هدف آن برای ارتکاب جرم منحرف می گردد.^۵

۱. البته مطابق برخی از آرای صادره، احراز این جزء- یعنی توافق لازم برای تحقق اقدامات مجرمانه مشترک- تنها در خصوص گونه های یکم و سوم مصداق دارد و در خصوص گونه دوم، اثبات چنین امری ضروری نمی باشد؛ زیرا وجود یک سیستم سوء رفتار، فی نفسه، یک برنامه، طرح یا هدف مشترک محسوب می شود. در این زمینه، رک:

Knojelac Appeal Judgement, Op.Cit, Paras. 96-97; Simić et al. Trial Judgement, Op.Cit, Para.158; Brđanin Trial Judgement, Op.Cit, Para.260, also Ibid, P.112, footnote.691; Kvočka et al. Appeal Judgement, Op.Cit, Paras.118-119, 209.

2. Tadić Appeal Judgement, Op.Cit, Para. 227.

3. Stakić Appeal Judgement, Op.Cit, Para.64; Kvočka et al. Appeal Judgement, Op.Cit, Para.81; Vasiljević Appeal Judgement, Op.Cit, Para.100; Blagojević and Jokić Trial Judgement, Op.Cit, Para.698; Brđanin Trial Judgement, Op.Cit, Para.260; Simić et al. Trial Judgement, Op.Cit, Para.156; Krstić Trial Judgement, Op.Cit, Para.611; Munyakazi Trial Judgement, Op.Cit, Para. 438.

4. Prosecutor v. Stanišić and Župljanin, Case No: IT-08-91-A, Appeal Judgement, 30 June 2016, Para. 67.

۵. در حقوق کیفری ایران، پی بردن به هدف گروه از دو جهت مهم است: یکی اینکه برای تحقق گروه مجرمانه باید ثابت شود که گروه هدف مجرمانه دارد و دوم اینکه برای تحقق مسئولیت سردهسته باید ثابت شود که جرم در راستای اهداف گروه ارتکاب یافته است.

در اینجا، اشاره به این نکته مفید به نظر می‌رسد که در پرونده تادیچ، مقرر شده است که لازم نیست برنامه، طرح یا هدف مزبور از قبل ترتیب داده شده یا شکل گرفته باشد، بلکه برنامه یا هدف مشترک ممکن است به طور ارتجالی و بی‌مقدمه و اصطلاحاً خلق الساعه به وجود آید و صرفاً از این واقعیت استنباط شود که گروهی از اشخاص با هماهنگی یکدیگر به منظور عملی کردن یک اقدام مجرمانه مشترک تلاش کرده‌اند، بدون اینکه تحقیق در مورد مسبوق به سابقه بودن آن ضروری باشد؛^۱ مثل وقتی که چند سرباز پس از اشغال سرزمین کشوری از سوی قوای اشغالگر ارتجالیاً با یکدیگر همراه شده، به قتل و غارت ساکنان محل مورد اشغال بپردازند.^۲ امکان ارتجالی بودن هدف، در آرای متعددی بازگو شده یا به انحای مختلف مورد تأیید قرار گرفته است.^۳

در حقوق کیفری ایران نیز مستفاد از تبصره ۱ ماده ۱۳۰ ق.م.ا، ظاهراً امکان ایجاد ارتجالی هدف در میان اعضا وجود دارد؛ زیرا در فرضی که گروه با هدف غیرمجرمانه تشکیل می‌شود، اما پس از تشکیل، هدف آن برای ارتکاب جرم منحرف می‌گردد، این امکان وجود دارد که انحراف هدف ارتجالیاً صورت گرفته باشد. به عنوان مثال، گروهی با هدف کمک به زلزله زدگان تشکیل می‌شود، اما پس از حضور در مناطق زلزله زده، به طور ارتجالی و خلق الساعه، از وضعیت سوءاستفاده کرده، با همدستی یکدیگر اقدام به سرقت اموال زلزله زدگان می‌نمایند.

در ارتباط با همین موضوع، وجه افتراق این دو نهاد حقوقی آن است که اگرچه در هر دو داشتن هدف مجرمانه لازم است، اما این هدف در «اقدامات مجرمانه مشترک» محدود به جرایم بین‌المللی خاصی شده است که عبارت‌اند از: نسل‌کشی (نسل‌زدایی)،^۴ جنایات علیه بشریت و جنایات

1. Tadić Appeal Judgement, Op.Cit, Para. 227.

۲. میرمحمدصادقی، حسین، دادگاه کیفری بین‌المللی، پیشین، ص ۱۸۴.

3. Stakić Appeal Judgement, Op.Cit, Para.64; Kvočka et al. Appeal Judgement, Op.Cit, Paras.116, 117; Ntakirutimana and Ntakirutimana Appeal Judgement, Op.Cit, Para.466; Vasiljević Appeal Judgement, Op.Cit, Paras.100, 109; Kayishema and Ruzindana Appeal Judgement, Op.Cit, Para. 193; Prosecutor v. Furundžija, Case No: IT-95-17/1-A, Appeal Judgement, 21 July 2000, Para. 119; Krajišnik Trial Judgement, Op.Cit, Para.883; Simba Trial Judgement, Op.Cit, Para.387; Blagojević and Jokić Trial Judgement, Op.Cit, Para.699; Brđanin Trial Judgement, Op.Cit, Para. 262; Prosecutor v. Brđanin, Case No: IT-99-36-A, Appeal Judgement, 3 April 2007, Para.418; Simić et al. Trial Judgement, Op.Cit, Para. 158; Prosecutor v. Krnojelac, Case No: IT-97-25-T, Trial Judgement, 15 March 2002, Para. 80; Krstić Trial Judgement, Op.Cit, Para.611; Munyakazi Trial Judgement, Op.Cit, Para. 438.

۴. گفتنی است که در ادبیات حقوقی ایران، حقوق‌دانان و نویسندگان حقوقی غالباً از اصطلاح «نسل‌کشی» به عنوان معادلی برای «Genocide» بهره‌جسته‌اند. درحالی‌که به باور نگارندگان، اصطلاح «نسل‌زدایی»، در

جنگی. درحالی که هدف مزبور در «سردستگی گروه مجرمانه» محدود به جرایم خاصی نشده است و با توجه به ماده ۱۳۰ ق.م.ا، هدف مجرمانه گروه ممکن است دربردارنده جرایم مستوجب حد، قصاص، دیه یا تعزیر باشد و از حیث شدت و اهمیت جرم نیز محدودیتی ذکر نشده است.

۳. عنصر روانی

همان طور که پیش تر نیز اشاره شد، در گونه سوم اقدامات مجرمانه مشترک - که بحث برانگیزترین گونه این دکترین به شمار می آید- اعضای گروه با وجود پاره‌ای از شرایط، نه فقط در قبال جرایمی که هدف مشترک گروه بوده، بلکه در قبال جرایمی هم که نتیجه طبیعی و قابل پیش بینی چنین هدفی بوده است، مسئولیت کیفری خواهند داشت.^۱ برای مثال، دادگاه تجدیدنظر در پرونده تادیچ، در مقام تبیین گونه سوم، مثالی را بدین شرح بیان نموده است که در فرض وجود یک برنامه مشترک برای اخراج اجباری غیرنظامیان متعلق به یک گروه قومی خاص از طریق آتش زدن خانه‌هایشان، چنانچه برخی از شرکت کنندگان در برنامه مزبور، در راستای اجرای این برنامه، غیرنظامیانی را در نتیجه آتش زدن خانه‌هایشان بکشند، چنانچه این مرگومیرها قابل پیش بینی بوده باشد، سایر شرکت کنندگان در این برنامه نیز در قبال این قتل‌ها مسئولیت کیفری خواهند داشت.^۲ از سوی دیگر، در سردستگی گروه مجرمانه، مطابق ماده ۱۳۰ ق.م.ا، سردهسته فقط در قبال جرایمی مسئولیت کیفری خواهد داشت که در راستای اهداف گروه ارتکاب یافته باشد. منظور از ارتکاب جرم در راستای اهداف گروه، ارتکاب جرایمی است که اعضای گروه برای رسیدن به هدف گروه مرتکب می شوند. بنابراین، نه تنها شامل جرایم اصلی که هدف مستقیم و اصلی گروه است، بلکه شامل جرایم پیرامونی هم که به تبع جرایم اصلی و برای تسهیل آنها ارتکاب می یابند، می شود. به عنوان مثال، اگر گروهی با هدف قاچاق انسان تشکیل شده باشد، جرم در راستای هدف این گروه، هم شامل قاچاق انسان (به عنوان جرم اصلی

→مقایسه با «نسل کشی»، از نظر حقوقی، معادل مناسب تری به نظر می رسد؛ زیرا رفتار فیزیکی این جنایت، بر طبق اسناد بین المللی، لزوماً با «کشتن» محقق نمی شود؛ بلکه می تواند با اقدامات دیگری، مانند «جلوگیری از تولد و تناسل در میان گروه» یا «انتقال اجباری اطفال از یک گروه به گروه دیگر»، تحقق بیابد.
۱. به عنوان نمونه، نک:

Tadić Appeal Judgement, Op.Cit, Paras. 220, 228.
2. Ibid, Para. 204.

گروه) و هم شامل جرایمی می‌شود که به تبع قاچاق انسان و برای تسهیل آن ارتکاب می‌یابد. مثلاً اگر عضوی از گروه برای عبور دادن قربانیان از مرز، به مأمور مرزبانی رشوه پرداخت کند تا اجازه دهد که قربانیان را از مرز عبور دهد، به نظر می‌رسد که جرم رشاء در راستای قاچاق انسان (به عنوان جرم اصلی گروه) است، از آن رو که برای تسهیل قاچاق انسان ارتکاب یافته است. به این ترتیب، در مثال فوق، این ادعای سردسته که گروه برای ارتکاب رشاء تشکیل نشده است و در نتیجه او در این مورد مسئولیتی ندارد، پذیرفتنی نیست، بلکه چون جرم رشاء در راستای قاچاق انسان (به عنوان جرم اصلی گروه) ارتکاب یافته است، در صورت وجود سایر شرایط، مسئولیت سردسته تحقق می‌یابد. در مقابل، اگر جرمی که ارتکاب یافته است، نه جرم اصلی باشد و نه جرم پیرامونی که برای تسهیل جرم اصلی ارتکاب می‌یابد، در این صورت نمی‌توان گفت که جرم ارتكابی در راستای اهداف گروه بوده است. به عنوان مثال، اگر گروهی با هدف سرقت تشکیل شده باشد و در حین سرقت، یکی از اعضای گروه مرتکب رابطه نامشروع شود، این رابطه نامشروع در راستای هدف گروه (که در این مثال، سرقت است) نیست؛ چون عمل ارتكابی نه سرقت است و نه برای تسهیل سرقت ارتکاب یافته است.^۱

در هر حال، با تطبیق دو معیار مطرح شده در حقوق کیفری بین المللی و حقوق کیفری ایران، به نظر می‌رسد جرایمی که در راستای اهداف گروه ارتکاب می‌یابند، عموماً نتیجه طبیعی و قابل پیش بینی جرایم اصلی نیز هستند؛ حتی در پاره‌ای از موارد، این جرایم نه تنها قابل پیش بینی بوده، بلکه اساساً مورد خواست سردسته و سایر اعضای گروه نیز می‌باشند (مثل پرداخت رشوه جهت تحقق هدف گروه مبنی بر قاچاق انسان). لیکن عکس قضیه صادق نیست؛ یعنی هر جرمی که قابل پیش بینی باشد، ارتکاب آن لزوماً در راستای اهداف گروه نخواهد بود. به عنوان مثال، سردسته‌ای که گروهی را با هدف سرقت از منازل تشکیل داده است، چنانچه با علم به شهوت‌ران بودن یک عضو گروه، وی را به همراه دیگر اعضای گروه برای سرقت از منازل اعزام نماید و عضو مذکور در اثنای سرقت، مرتکب تجاوز جنسی یا سایر اعمال منافی عفت شود، ارتکاب این جرایم اگرچه قابل پیش بینی بوده‌اند، اما مسلماً در راستای هدف گروه نیستند.

۱. الهام، غلامحسین و محسن برهانی، پیشین، ص ۲۰۶؛ شمس ناتری، محمد ابراهیم و دیگران، **قانون مجازات اسلامی در نظم حقوقی کنونی**، تهران: نشر میزان، چاپ دوم، ۱۳۹۳، ص ۳۲۲.

۴. نوع مسئولیت

در حقوق کیفری بین‌المللی، آرای متعددی در خصوص نوع مسئولیت برخاسته از «اقدامات مجرمانه مشترک» صادر شده است. آرای مذکور که از سوی دیوان‌های کیفری بین‌المللی برای یوگسلاوی سابق و رواندا صادر شده‌اند، این نوع مسئولیت را نه از مصادیق مسئولیت معاونتی، بلکه از انواع مشارکت در جرم دانسته و از این رو، مبنای قانونی اقدامات مجرمانه مشترک را در چارچوب مفهوم «ارتکاب جرم»- مذکور در ماده ۷(۱) اساسنامه دیوان یوگسلاوی سابق و ماده ۶(۱) اساسنامه دیوان رواندا- تبیین نموده‌اند.^۱

در نتیجه، در حقوق کیفری بین‌المللی، کلیه شرکت‌کنندگان در یک طرح مجرمانه مشترک، بدون توجه به نقش خاصی که هر یک برعهده داشته‌اند، به عنوان مجرم اصلی- و نه معاون- قابل تعقیب می‌باشند؛^۲ هر چند میزان نقش داشتن هر یک از آنان در طرح مشترک می‌تواند بعداً در مرحله تعیین مجازات مدنظر دادگاه قرار بگیرد.^۳ به دیگر سخن، تحمیل مسئولیت کیفری یکسان لزوماً به معنای اعمال مجازات یکسان نخواهد بود.

از سوی دیگر، در سردستگی گروه مجرمانه، مطابق ماده ۱۳۰ قانون مجازات اسلامی، قانون‌گذار دو نوع مسئولیت را برای سردسته پیش‌بینی نموده است: مسئولیت مباشرتی و مسئولیت معاونتی.^۴

1. Tadić Appeal Judgement, Op.Cit, Para. 188; Prosecutor v. Milutinović et al, Case No: IT-99-37-AR72, Decision on Dragoljub Ojdanić's Motion Challenging Jurisdiction - Joint Criminal Enterprise, Appeals Chamber, 21 May 2003, Paras. 20, 31; Krnojelac Appeal Judgement, Op.Cit, Para.73; Vasiljević Appeal Judgement, Op.Cit, Paras.95, 102, 111; Brđanin Trial Judgement, Op.Cit, Para.258; Blagojević and Jokić Trial Judgement, Op.Cit, Para.696; Kvočka et al. Appeal Judgement, Op.Cit, Para.79; Gacumbitsi Appeal Judgement, Op.Cit, Para.158; Mpambara Trial Judgement, Op.Cit, Para.12, footnote.17.

2. Vasiljević Appeal Judgement, Op.Cit, Para. 111.

3. Kvočka et al. Trial Judgement, Op.Cit, Para. 282.

۴. البته ناگفته نماند که به کار بردن عبارات «مسئولیت مباشرتی» و «مسئولیت معاونتی» از باب مسامحه در کلام است؛ زیرا سردسته، از حیث تحمل مجازات، حسب مورد مسئولیتی مشابه مباشر یا معاون دارد. افزودنی است که نوع مسئولیت سردسته نیز بر حسب نوع جرمی که از سوی اعضا ارتکاب می‌یابد، تعیین می‌شود. جرایم ارتكابی نیز در یک تقسیم‌بندی، از حیث مجازات‌هایی که در ماده ۱۴ ق.م.ا برای آنها مقرر شده است، به جرایم مستوجب حدود، قصاص، دیات یا تعزیرات تقسیم می‌شود.

۴.۱. مسئولیت مباشرتی

این نوع مسئولیت در جایی بر سردهسته تحمیل می‌گردد که اعضای گروه مجرمانه مرتکب یک جرم تعزیری می‌شوند. در این صورت، سردهسته گروه به حداکثر مجازات شدیدترین جرمی که اعضای آن گروه در راستای اهداف همان گروه مرتکب شده‌اند، محکوم می‌گردد. گفتنی است که با توجه به تبصره ۲ ماده ۱۱۵ ق.م.ا، قانون‌گذار در ماده ۱۳۰ تفاوتی بین «تعزیرات منصوص شرعی» و «تعزیرات غیر منصوص شرعی» قائل نشده و از این حیث، هر دو مورد را مشمول حکمی واحد- یعنی تحمل مجازات مباشر- دانسته است. افزون بر این، بنا به تصریح قسمت آخر ماده ۱۳۰، در دو جرم حدی محاربه و افساد فی‌الارض نیز چنانچه عنوان محارب یا مفسد فی‌الارض بر سردهسته گروه صدق نماید، وی حسب مورد به مجازات محارب یا مفسد فی‌الارض- و نه معاونت در محاربه یا افساد فی‌الارض- محکوم می‌شود.

۴.۲. مسئولیت معاونتی

این نوع مسئولیت در جایی بر سردهسته تحمیل می‌گردد که اعضای گروه مرتکب جرایم مستوجب حد، قصاص یا دیه می‌شوند، که در این صورت سردهسته گروه به حداکثر مجازات معاونت در آن جرم محکوم می‌گردد.

مبنای این تفکیک نیز روشن است. مجازات‌های شرعی بنا به وضع شارع به کسی تعلق می‌گیرند که فعل را انجام داده است، نه سایرین. لیکن در تعزیرات، چون مجازات «بما یراه الحاکم» است، حاکم می‌تواند برای معاون، در شرایط خاصی، مجازات مباشر را تعیین نماید.

به این ترتیب، با تطبیق نوع مسئولیتی که این دو نهاد مسئولیت‌ساز ایجاد می‌کنند، از یک جهت وجه اشتراک و از جهت دیگر وجه افتراقی نمایان می‌شود. وجه اشتراک این دو نهاد حقوقی در جایی تبلور می‌یابد که سردهسته یک گروه مجرمانه، همچون مشارکت‌کننده در یک اقدام مجرمانه مشترک، متحمل مسئولیت مباشرتی می‌گردد. در مقابل، وجه افتراق این دو نهاد حقوقی نیز در جایی هویدا می‌شود که مسئولیت سردهسته از نوع مسئولیت معاونتی است.

۵. دامنه مسئولیت

یکی دیگر از موضوعات مهمی که در ارتباط با این دو نهاد حقوقی قابل طرح می باشد، دامنه مسئولیت ناشی از این دو نهاد مسئولیت ساز است.

در این زمینه، وجه اشتراک این دو نهاد حقوقی آن است که در هر دو، صرف عضویت داشتن در یک گروه مجرمانه موجد مسئولیت کیفری نخواهد بود. در حقوق کیفری بین المللی، این موضوع که مسئولیت ناشی از اقدامات مجرمانه مشترک به صرف عضویت در یک گروه مجرمانه محقق نمی شود، در آرای متعددی مورد اشاره قرار گرفته است. به عنوان نمونه، شعبه تجدیدنظر دیوان یوگسلاوی سابق، در این خصوص اظهار داشته است: «صرف عضویت در یک سازمان مجرمانه معین برای ایجاد مسئولیت کیفری فردی کافی نخواهد بود»^۱ و سپس در پاراگراف بعدی افزوده است که مسئولیت کیفری مبتنی بر اقدامات مجرمانه مشترک مسئولیتی به صرف عضویت در یک سازمان یا تبانی برای ارتکاب جرایم نیست، بلکه شکلی از مسئولیت در خصوص مشارکت در ارتکاب یک جرم به عنوان بخشی از یک اقدام مجرمانه مشترک است.^۲ دادگاه بدوی در پرونده استاکیچ نیز تأکید می کند که اقدامات مجرمانه مشترک نمی تواند فقط دربرگیرنده عضویت در یک سازمان باشد و تحمیل مسئولیت کیفری در قبال عضویت صرف در یک سازمان، بدون هر گونه اقدام دیگری، نقض آشکار اصل قانونی بودن جرم محسوب می شود؛ زیرا جرم جدیدی است که در اساسنامه پیش بینی نشده است.^۳ تمایز میان این دو مفهوم، در آرای دیگری نیز مورد تأکید قرار گرفته است.^۴ از سوی دیگر، در حقوق کیفری ایران نیز صرف عضویت در یک گروه مجرمانه، به موجب ماده ۱۳۰ قانون مجازات اسلامی، موجد مسئولیت کیفری نخواهد بود؛ زیرا اولاً، ماده مذکور در این مورد حکمی را بیان نکرده است و ثانیاً، وقتی سردرسته به خاطر صرف سردستگی قابل مجازات نیست، بلکه باید رفتار مجرمانه ای از سوی

1. Milutinović et al. JCE Appeal Decision, Op.Cit, Para. 25.

2. Ibid, Para. 26.

3. Prosecutor v. Stakić, Case No: IT-97-24-T, Trial Judgement, 31 July 2003, Para. 433.

4. Simić et al. Trial Judgement, Op.Cit, Para. 158; Brđanin Trial Judgement, Op.Cit, Para. 263.

گروه مجرمانه سر بزند تا سردسته مسئولیت داشته باشد؛ به طریق اولی، عضو عادی هم به خاطر صرف عضویت قابل مجازات نیست و باید مرتکب جرم شود تا مسئولیت پیدا کند.^۱

در مقابل، یکی از مهم‌ترین وجوه افتراق این دو نهاد حقوقی نیز ذیل همین موضوع (دامنه مسئولیت) نمایان می‌گردد. توضیح اینکه همان‌طور که از مضمون ماده ۱۳۰ و نیز عنوان فصل چهارم (سردستگی گروه مجرمانه سازمان یافته) پیداست، این ماده صرفاً ناظر به سردسته یک گروه مجرمانه و نه کلیه اعضای آن است. درحالی که در جرمی که توسط گروه مجرمانه ارتکاب می‌یابد، مسئولیت کیفری سه دسته را می‌توان بررسی نمود: دسته نخست، سردسته گروه که گروه را رهبری می‌کند؛ دسته دوم، اعضای عادی گروه که مرتکب عنصر مادی جرم می‌شوند و دسته سوم، اعضای عادی گروه که مرتکب عنصر مادی جرم نمی‌شوند، اما به نحوی به پیشبرد هدف مجرمانه گروه کمک می‌نمایند. از میان این سه دسته، ماده ۱۳۰ قانون مجازات اسلامی فقط به ذکر مسئولیت سردسته پرداخته و مسئولیت دو دسته دیگر را به سکوت برگزار کرده است. درست است که سردسته در ارتکاب جرم تأثیر بیشتری دارد و علی‌الاصول باید با برخورد شدیدتری نسبت به سایر مرتکبین مواجه شود، لیکن از مسئولیت سایر اعضا نیز نباید چشم‌پوشی کرد. این در حالی است که در دکترین «اقدامات مجرمانه مشترک»، هر سه دسته فوق‌الذکر از مسئولیت کیفری یکسانی برخوردارند؛ هر چند همان‌طور که پیش‌تر نیز اشاره شد دادگاه می‌تواند میزان نقش داشتن هریک از آنان در طرح مشترک را در مرحله تعیین مجازات مورد توجه قرار دهد.

۱. البته گاهی قانون‌گذار عضویت در یک گروه مجرمانه را به طور خاص جرم‌انگاری نموده است. نمونه‌ای از این نوع جرم‌انگاری، هم در قوانین مصوب پیش از انقلاب اسلامی و هم در قوانین مصوب پس از آن، قابل مشاهده است. برای مثال، از بین قوانین پیش از انقلاب، می‌توان به بندهای ۱ و ۲ ماده ۱ قانون مجازات مقدمین بر علیه امنیت و استقلال مملکت، مصوب ۲۲ خرداد ۱۳۱۰، و از بین قوانین پس از انقلاب، می‌توان به ماده ۴۹۹ قانون تعزیرات، مصوب ۲ خرداد ۱۳۷۵، اشاره کرد.

نتیجه‌گیری

مطالعه تطبیقی دو نهاد «اقدامات مجرمانه مشترک» و «سردستگی گروه مجرمانه» - که یکی نشأت گرفته از حقوق کیفری بین‌المللی و دیگری زائیده حقوق کیفری ایران است - ما را به مهم‌ترین وجوه اشتراک و افتراق این دو نهاد حقوقی رهنمون می‌سازد. یافته‌های این پژوهش حاکی از آن است که این دو نهاد حقوقی از جهات مختلفی همچون «گروه مجرمانه»، «هدف مجرمانه مشترک»، «عنصر روانی» و «نوع مسئولیت» دارای وجوه اشتراک و افتراق اند. افزون بر همه این موارد، از حیث «دامنه مسئولیت» نیز وجوه اشتراک و افتراق قابل توجهی دارند. به این معنا که یکی از مهم‌ترین وجوه اشتراک این دو نهاد مسئولیت‌ساز، پیش‌بینی مسئولیت کیفری شدیدتر برای کسانی است که طراحی و رهبری جرایم سازمان‌یافته را برعهده دارند. لیکن در مقابل، ماده ۱۳۰ قانون مجازات اسلامی در خصوص اعضای عادی گروه مجرمانه مسئولیت کیفری خاصی را پیش‌بینی نکرده و این موضوع را به سکوت برگزار نموده است. در نتیجه، با توجه به اینکه در ماده مذکور در خصوص اعضای عادی گروه حکمی بیان نشده است، به نظر می‌رسد که مسئولیت این اعضا، نسبت به جرم ارتكابی‌شان، حسب مورد مشمول قواعد عام مباشرت، مشارکت یا معاونت در جرم است و مجازات‌شان نسبت به جرم ارتكابی اصولاً به واسطه عضویت در گروه مجرمانه تشدید نمی‌گردد. این در حالی است که به نظر می‌رسد، در موردی که عضو عادی گروه در راستای اهداف گروه مرتکب جرمی می‌شود یا در ارتکاب جرم مساعدتی می‌نماید، باید مجازات او تشدید شود؛ زیرا بین حالتی که فرد عضو گروه نیست و مرتکب جرمی می‌شود یا به ارتکاب آن کمکی می‌کند و حالتی که فرد عضو گروه است و در راستای آن مرتکب جرمی می‌شود یا به نحوی در پیشبرد هدف مجرمانه گروه مساعدتی می‌نماید، باید تمایز قائل شد و در حالت دوم، به خاطر خطر بیشتر جرم، باید مجازات شدیدتری را برای وی در نظر گرفت. در حالی که در قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ به این امر توجه نشده و اصولاً مجازات قانونی چنین شخصی با مجازات فردی که بدون عضویت در گروه مرتکب جرمی شده یا در ارتکاب جرمی مساعدت نموده است، تفاوتی ندارد. البته ممکن است قاضی «عضو گروه بودن» را در تعیین مجازات مدنظر قرار دهد و برای وی مجازات سنگینی را تعیین نماید؛ یعنی در انتخاب بین حداقل و حداکثر، مجازات شدیدتری را انتخاب کند و چه بسا به حداکثر مجازات حکم بدهد،

لیکن باید توجه داشت که اصولاً الزام قانونی برای تشدید مجازاتِ چنین شخصی وجود ندارد. البته قانون‌گذار استثنائاً در پاره‌ای از موارد - مثل ماده ۱۴ قانون مجازات قاچاق اسلحه و مهمات و دارندگان سلاح و مهمات غیرمجاز مصوب ۱۳۹۰ و نیز مواد ۲۸ و ۲۹ قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز مصوب ۱۳۹۲ - مجازات عضوی را که در راستای اهداف گروه مرتکب جرم شده، تشدید کرده است. بنابراین، شایسته بود که مقنن در قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ نیز در کنار مطرح کردن مجازات سردسته، مجازات اعضای عادی گروه را که در راستای اهداف همان گروه مرتکب جرمی شده یا در ارتکاب آن مساعدتی نموده‌اند، بیان می‌کرد و آن را تشدید می‌نمود.

افزون بر این، مستفاد از مفهوم «اقدامات مجرمانه مشترک» آن است که کلیه اعضای گروه مجرمانه که به پیشبرد هدف کلی گروه کمک نموده‌اند - ولو اینکه در ارتکاب جرم خاصی مشارکت یا معاونت نکرده باشند - در قبال جرم ارتكابی از سوی سایر اعضا مسئولیت کیفری دارند و قابل مجازات خواهند بود. کما اینکه در پرونده تادیج نیز علی‌رغم اینکه وی در قتل‌های ارتكابی هیچ‌گونه مشارکت یا مساعدتی نکرده بود، صرفاً به دلیل عضویت در گروه مجرمانه و همچنین تلاش در راستای پیشبرد هدف مجرمانه گروه (پاکسازی منطقه از غیرصرب‌ها)، در قبال قتل‌های ارتكابی نیز مسئول شناخته شد. لذا به نظر می‌رسد که از این حیث، ماده ۱۳۰ نیز می‌تواند به منظور مقابله بهتر و مؤثرتر با جرایم سازمان‌یافته، دامنه مسئولیت را گسترده‌تر نماید و مسئولیت کیفری را به سایر اعضای گروه مجرمانه - که هیچ‌گونه مشارکت و معاونتی در جرم خاص ارتكابی نکرده‌اند، اما به پیشبرد هدف کلی گروه مجرمانه کمک نموده‌اند - تسری دهد.

فهرست منابع

الف) منابع فارسی

کتاب

۱. آقایی جنت‌مکان، حسین، *حقوق کیفری عمومی (بر اساس لایحه قانون مجازات اسلامی)*، جلد ۲، تهران: انتشارات جنگل، چاپ اول، ۱۳۹۰.
۲. اردبیلی، محمدعلی، *حقوق جزای عمومی*، جلد ۲، تهران: نشر میزان، چاپ چهل و چهارم، پاییز ۱۳۹۵.
۳. الهام، غلامحسین و محسن برهانی، *درآمدی بر حقوق جزای عمومی*، تهران: نشر میزان، چاپ اول، ۱۳۹۲.
۴. ساکی، محمدرضا، *حقوق جزای عمومی (مسئولیت کیفری)*، جلد ۲، تهران: انتشارات جنگل، چاپ اول، ۱۳۹۲.
۵. سبزواری نژاد، حجت، *حقوق جزای عمومی (جرم، مجرم، مسئولیت کیفری و موانع آن) مطابق با لایحه قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲*، تهران: انتشارات جنگل، چاپ اول، ۱۳۹۲.
۶. شمس ناتری، محمد ابراهیم و دیگران، *قانون مجازات اسلامی در نظم حقوقی کنونی*، تهران: نشر میزان، چاپ دوم، ۱۳۹۳.
۷. میرمحمدصادقی، حسین، *جرایم علیه امنیت و آسایش عمومی*، تهران: نشر میزان، چاپ بیست و یکم، پاییز ۱۳۹۲.
۸. میرمحمدصادقی، حسین، *حقوق جزای بین‌المللی*، تهران: نشر میزان، چاپ دوم، بهار ۱۳۸۶.
۹. میرمحمدصادقی، حسین، *دادگاه کیفری بین‌المللی*، تهران: انتشارات دادگستر، چاپ نهم، بهار ۱۳۹۵.
۱۰. نوربها، رضا، *زمینه حقوق جزای عمومی*، تهران: کتابخانه گنج دانش، چاپ بیست و هفتم، ۱۳۸۸.

مقاله

۱۱. میرکمالی، علیرضا و دیگران، *نظریهٔ فعالیت مجرمانهٔ مشترک در پرتو آرای دادگاه کیفری بین‌المللی برای یوگسلاوی سابق*، فصلنامه تحقیقات حقوقی، دوره ۲۱، تابستان ۱۳۹۷، شماره ۸۲.

ب) منابع انگلیسی

Books

12. Boas, Gideon & James L. Bischoff & Natalie L. Reid, *Forms of Responsibility in International Criminal Law*, International Criminal Law Practitioner Library Series, Vol.1, Cambridge University Press, 1st ed, 2007.
13. Cassese, Antonio, *International Criminal Law*, Oxford University Press, 2003.
14. Yanev, Lachezar D, *Theories of Co-perpetration in International Criminal Law*, Leiden: Brill Nijhoff, 2018.

Articles

15. Ambos, Kai, "Joint Criminal Enterprise and Command Responsibility", *Journal of International Criminal Justice*, Vol.5, No.1, March 2007.
16. Bogdan, Attila, "Individual Criminal Responsibility in the Execution of a 'Joint Criminal Enterprise' in the Jurisprudence of the ad hoc International Tribunal for the Former Yugoslavia", *International Criminal Law Review*, Vol.6, No.1, 2006.
17. Cassese, Antonio, "The Proper Limits of Individual Responsibility under the Doctrine of Joint Criminal Enterprise", *Journal of International Criminal Justice*, Vol.5, No.1, March 2007.
18. Danner, Allison Marston & Jenny S. Martinez, "Guilty Associations: Joint Criminal Enterprise, Command Responsibility, and the Development of International Criminal Law", *California Law Review*, Vol.93, No.1, January 2005.
19. Gustafson, Katrina, "The Requirement of an 'Express Agreement' for Joint Criminal Enterprise Liability: A Critique of Brđanin", *Journal of International Criminal Justice*, Vol.5, No.1, March 2007.
20. Haan, Verena, "The Development of the Concept of Joint Criminal Enterprise at the International Criminal Tribunal for the Former Yugoslavia", *International Criminal Law Review*, Vol.5, No.2, 2005.
21. Hamdorf, Kai, "The Concept of a Joint Criminal Enterprise and Domestic Modes of Liability for Parties to a Crime: A Comparison of German and English Law", *Journal of International Criminal Justice*, Vol.5, No.1, March 2007.
22. Karnavas, Michael G, "Joint Criminal Enterprise at the ECCC: A Critical Analysis of the Pre-Trial Chamber's Decision Against the Application of JCE III

- and two Divergent Commentaries on the Same”, *Criminal Law Forum*, Vol.21, No.3,4, December 2010.
23. Krebs, Beatrice, “Joint Criminal Enterprise”, *The Modern Law Review*, Vol.73, No.4, July 2010.
24. Ohlin, Jens David, “Joint Criminal Confusion”, *New Criminal Law Review*, Vol.12, No.3, Summer 2009.
25. Ohlin, Jens David, “Three Conceptual Problems with the Doctrine of Joint Criminal Enterprise”, *Journal of International Criminal Justice*, Vol.5, No.1, March 2007.
26. Perova, Natalia, “Stretching the Joint Criminal Enterprise Doctrine to the Extreme: When Culpability and Liability Do Not Match”, *International Criminal Law Review*, Vol.16, No.5, 2016.
27. Powles, Steven, “Joint Criminal Enterprise: Criminal Liability by Prosecutorial Ingenuity and Judicial Creativity?”, *Journal of International Criminal Justice*, Vol.2, No.2, 2004.
28. Sliedregt, Elies van, “Joint Criminal Enterprise as a Pathway to Convicting Individuals for Genocide”, *Journal of International Criminal Justice*, Vol.5, No.1, March 2007.
29. Wilt, Harmen van der, “Joint Criminal Enterprise: Possibilities and Limitations”, *Journal of International Criminal Justice*, Vol.5, No.1, March 2007.

Theses

30. Engvall, Linda, "Extended Joint Criminal Enterprise in International Criminal Law", Master thesis, Faculty of Law, University of Lund, June 2005.
31. Jayangakula, Kittti, "Is the Doctrine of Joint Criminal Enterprise a Legitimate Mode of Individual Criminal Liability? - A Study of the Khmer Rouge Trials", Master thesis, Faculty of Law, University of Lund, Spring 2010.

Cases

32. Prosecutor v. Blagojević and Jokić, Case No: IT-02-60-T, Trial Judgement, 17 January 2005.
33. Prosecutor v. Brđanin, Case No: IT-99-36-A, Appeal Judgement, 3 April 2007.
34. Prosecutor v. Brđanin, Case No: IT-99-36-T, Trial Judgement, 1 September 2004.
35. Prosecutor v. Delalić, Mucić, Delić and Landžo, Case No: IT-96-21-T, Trial Judgement, 16 November 1998 (Čelebići Trial Judgement).
36. Prosecutor v. Furundžija, Case No: IT-95-17/1-A, Appeal Judgement, 21 July 2000.
37. Prosecutor v. Furundžija, Case No: IT-95-17/1-T, Trial Judgement, 10 December 1998.

38. Prosecutor v. Gacumbitsi, Case No: ICTR-2001-64-A, Appeal Judgement, 7 July 2006.
39. Prosecutor v. Karadžić, Case No: IT-95-5/18-T, Trial Judgement, 24 March 2016.
40. Prosecutor v. Kayishema and Ruzindana, Case No: ICTR-95-1-A, Appeal Judgement (Reasons), 1 June 2001.
41. Prosecutor v. Kordić and Čerkez, Case No: IT-95-14/2-T, Trial Judgement, 26 February 2001.
42. Prosecutor v. Krajišnik, Case No: IT-00-39-T, Trial Judgement, 27 September 2006.
43. Prosecutor v. Krnojelac, Case No: IT-97-25-A, Appeal Judgement, 17 September 2003.
44. Prosecutor v. Krnojelac, Case No: IT-97-25-T, Trial Judgement, 15 March 2002.
45. Prosecutor v. Krstić, Case No: IT-98-33-T, Trial Judgement, 2 August 2001.
46. Prosecutor v. Kvočka et al, Case No: IT-98-30/1-A, Appeal Judgement, 28 February 2005.
47. Prosecutor v. Kvočka et al, Case No: IT-98-30/1-T, Trial Judgement, 2 November 2001.
48. Prosecutor v. Milutinović et al, Case No: IT-99-37-AR72, Decision on Dragoljub Ojdanić's Motion Challenging Jurisdiction - Joint Criminal Enterprise, Appeals Chamber, 21 May 2003.
49. Prosecutor v. Mpambara, Case No: ICTR-01-65-T, Trial Judgement, 11 September 2006.
50. Prosecutor v. Munyakazi, Case No: ICTR-97-36A-T, Trial Judgement and Sentence, 5 July 2010.
51. Prosecutor v. Ntakirutimana and Ntakirutimana, Case No: ICTR-96-10-A and ICTR 96-17-A, Appeal Judgement, 13 December 2004.
52. Prosecutor v. Simba, Case No: ICTR-01-76-T, Trial Judgement and Sentence, 13 December 2005.
53. Prosecutor v. Simba, Case No: ICTR-2001-76-I, Amended Indictment, 10 May 2004.
54. Prosecutor v. Simić et al, Case No: IT-95-9-T, Trial Judgement, 17 October 2003.
55. Prosecutor v. Stakić, Case No: IT-97-24-A, Appeal Judgement, 22 March 2006.
56. Prosecutor v. Stakić, Case No: IT-97-24-T, Trial Judgement, 31 July 2003.
57. Prosecutor v. Stanišić and Župljanin, Case No: IT-08-91-A, Appeal Judgement, 30 June 2016.
58. Prosecutor v. Tadić, Case No: IT-94-1-A, Appeal Judgement, 15 July 1999.
59. Prosecutor v. Vasiljević, Case No: IT-98-32-A, Appeal Judgement, 25 February 2004.

60. Trial of Josef Kramer and 44 others, British Military Court, Lüneburg, 17th September - 17th November, 1945, Law Reports of Trials of War Criminals, Selected and Prepared by the United Nations War Crimes Commission (UNWCC), Published for the United Nations War Crimes Commission by his Majesty's Stationery Office, Vol.II, London, 1947.
61. Trial of Martin Gottfried Weiss and thirty-nine others, General Military Government Court of the United States Zone, Dachau, Germany, 15th November - 13th December, 1945, Law Reports of Trials of War Criminals, Selected and Prepared by the United Nations War Crimes Commission (UNWCC), Published for the United Nations War Crimes Commission by his Majesty's Stationery Office, Vol.XI, London, 1949.